

دلایل اثبات ولایت فقیه

معصومه حیدری^۱

چکیده

ولایت فقیه به معنای حاکمیت مجتهد جامع الشرایط در عصر غیبت، یکی از مبانی اصولی نظام جمهوری اسلامی ایران است که بر اساس آن، فقیه جامع الشرایط به عنوان نماینده امام معصوم (علیه السلام) در امور سیاسی و اجتماعی جامعه اسلامی مسئولیت‌های خاصی را به عهده دارد. ولایت فقیه از جنس حاکمیت است حاکمیتی که آن را مجتهدی جامع الشرایط بر عهده دارد این ولایت و حاکمیت مخصوص دوران غیبت است و شعبه‌ای از ولایت ائمه اطهار (علیهم السلام) که همان ولایت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) است، این بدان معناست که حاکمیتی را که مجتهد جامع الشرایط در عصر غیبت عهده دار است و از آن به ولایت فقیه تعبیر می‌شود چیزی جدای از حکومت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) و امامان معصوم (علیهم السلام) در جامعه اسلامی در عصر خودشان نیست و هدفی جز پیاده کردن احکام اسلامی و ایجاد زمینه مناسب برای بندگی خدا ندارد. این موضوع به دلیل تأثیرات عمیق آن در ساختار سیاسی و اجتماعی کشور، مورد بررسی‌های فراوانی قرار گرفته است. این موضوع نه تنها به تثبیت مبانی نظری نظام کمک می‌کند، بلکه در مواجهه با نظرات مخالف و نقدهای داخلی و خارجی نیز نقش کلیدی دارد. این مقاله با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و باشیوه توصیفی - تحلیلی به بررسی تعاریف لغوی و اصطلاحی؛ ولایت، فقیه، عقلی و اجماع و ذکر دلایل عقلی و نقلی مبنی بر اثبات ولایت فقیه پرداخته است. هدف از این تحقیق، بررسی دلایل و مستندات اثبات ولایت فقیه در نظام اسلامی و تحلیل زوایای مختلف آن به منظور درک بهتر جایگاه و نقش فقیه در جامعه است.

واژگان کلیدی: ولایت، فقیه، اجماع

^۱. طلبه سطح دو، مدرسه علمیه معصومیه، hmswmh885@gmail.com

مقدمه

ولایت فقیه یکی از ارکان اصلی و بنیادین نظام جمهوری اسلامی ایران است که بر اساس آن، فقیه جامع‌الشرایط به عنوان نماینده معصوم در امور حکومتی و اجتماعی جامعه اسلامی عمل می‌کند. این مفهوم نه تنها به لحاظ نظری، بلکه از منظر عملی نیز تأثیرات عمیقی بر سیاست‌گذاریها و تصمیم‌گیریهای کلان کشور دارد. با توجه به چالش‌های مختلفی که نظام جمهوری اسلامی با آنها مواجه است، تبیین و اثبات مشروعیت ولایت فقیه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است.

با توجه به تحولات سیاسی و اجتماعی در ایران و همچنین چالش‌های بین‌المللی، شناخت و اثبات مشروعیت ولایت فقیه به عنوان یک رکن اساسی نظام جمهوری اسلامی ضروری است. این موضوع میتواند به تقویت بنیان‌های نظری و عملی نظام و پاسخ به شبهات و انتقادات در داخل و خارج از کشور کمک کند.

بر این اساس مباحث مرتبط با ولایت فقیه از زمان تأسیس جمهوری اسلامی ایران و حتی پیش از آن، در بین عالمان دینی و سیاسی مورد بحث و بررسی قرار گرفته است. آثار و نظرات متفکرانی چون امام خمینی (ره) در تحریر الوسیله که ضمن شرح فقهی، به مباحث ولایت فقیه اشاره دارد. (خمینی، ۱۳۶۵)، علامه طباطبایی در تفسیر المیزان که آیات مرتبط با ولایت فقیه را به طور دقیق و مفصل تفصیل کرده است. (طباطبایی، ۱۳۷۷) و دیگر فقیهان و اندیشمندان اسلامی در این زمینه، به بررسی مستندات قرآنی، روایی و فقهی پرداخته‌اند. همچنین، در دهه‌های اخیر، نقدها و دیدگاه‌های مختلفی در خصوص ولایت فقیه مطرح شده که نیازمند بررسی و پاسخ‌گویی است.

از جمله سوالات مطرح شده این است که چه دلایل و مستندات برای اثبات ولایت فقیه وجود دارد و چگونه این دلایل می‌توانند به توجیه این مفهوم در نظام اسلامی کمک کنند؟ هدف این تحقیق، بررسی و تحلیل مستندات و دلایل اثبات ولایت فقیه، شامل آیات قرآن، احادیث و نظرات فقهی، و ارزیابی نقش آن در تبیین مفهوم رهبری در نظام جمهوری اسلامی ایران است. این پژوهش به دنبال ارائه پاسخ‌های مستند و منطقی به سوالات مطرح شده در این زمینه است و می‌تواند به درک بهتر جایگاه ولایت فقیه در نظام اسلامی کمک کند.

مفاهیم

الف) مفهوم ولایت

-ولایت در لغت به معنی والی، شدن قرابت و نزدیکی، یاری، دادن مالک شدن و تصرف در چیزی، دوستی، تسلط پیدا کردن، قدرت، پادشاهی. (دهخدا، لغتنامه دهخدا، ص ۴۱۵) ولایت، مصدر از ماده ولی می باشد. معنای اصلی این ماده عبارتست از قرار گرفتن چیزی در کنار چیزی دیگر به نحوی که فاصله ای میان آن ها نباشد. (راغب، مفردات فی غریب القرآن، بیروت دار العلم، ص ۸۸۵). به همین مناسبت، این کلمه درباره نزدیکی به کار رفته است؛ خواه نزدیکی مکانی و خواه نزدیکی معنوی. (جوادی آملی، ولایت در قرآن، ص ۱۸ و ۱۹)

-ولایت در اصطلاح شرع مقدس اسلام عبارتست از یک نحوه نزدیکی و قربی که مجوز نوع خاصی از تصرف در امور مرتبط با دیگران می شود. (طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ص ۱۲) ولایت به معنی تصرف در امور و پاسداری و نگهداری و سرپرستی و تکمیل و ترمیم نقاط ضعفی است که بواسطه ولایت والی در افراد مَعْلَی عَلَیْهِم جبران میشود؛ خواه آن فرد زن باشد خواه مرد صغیر باشد، یا کبیر حاضر باشد یا غائب یا ولایت در اجتماع که بواسطه ولایت والی آن نقاطی که از جهت ربط و ارتباط بین آن، مجتمع مردم نیاز به ترمیم و تتمیم و تکمیل آن دارند بر اثر سرپرستی و ولایت والی به کمال و تمامیت خود میرسند و امارت و حکومت بر این ها از شعب ولایت است. (حسینی طهرانی، ولایت فقیه در حکومت اسلام، ج ۱، ص ۲۹)

نظریه ای در فقه شیعه است که نظام سیاسی مشروع در دوران غیبت امام معصوم (علیه السلام) را بیان می کند. (فیرحی، نظام سیاسی و دولت در اسلام، ص ۲۰۴). نظام جمهوری اسلامی ایران بر اساس این نظریه تأسیس شده است.

ولایت محدود فقیه از جمله حق قضاوت صدور فتوا در مسائل، شرعی اخذ وجوهات شرعی و رسیدگی به امور حسبیه از دیرباز در فقه امامیه مطرح و مورد بحث بوده و در ارتباط نزدیک با نهاد مرجعیت است. اما در نظریه ولایت سیاسی فقیه که بیش از همه توسط روح الله خمینی (ره) مطرح و تشریح شده، این ولایت اساس نظم سیاسی دوره غیبت را تشکیل می دهد و فقیهان جانشین امام در اجرای سیاست ها و مسائل حکومتی و سایر امور مربوط به امام معصوم (علیه السلام) (به جز جهاد ابتدایی) محسوب می شوند. (همان، ص ۲۴۳).

حکومت و اداره ی کشور و اجرای قوانین شرع مقدس، یک وظیفه ی سنگین و مهم است؛ نه این که برای کسی شأن و مقام غیر عادی به وجود بیاورد و او را از حد انسان عادی بالاتر ببرد. به عبارت دیگر ولایت مورد بحث یعنی حکومت و اجرا و اداره، بر خلاف تصویری که خیلی از افراد دارند امتیاز نیست بلکه وظیفه ای خطیر است. (روح الله خمینی (علیه السلام)، همان کتاب، ص ۴۰)

ب – مفهوم فقیه

– فقیه در لغت به معنای دانا، دانشمند دریابنده عالم علم فقه، دانای علم دین (دهخدا، لغتنامه دهخدا، ص ۲۹۴)

– فقیه در اصطلاح به کسانی که احکام شرعیه را توسط رأی و اجتهاد خویش به واسطه قرآن کریم، سنت عقل و اجماع بدست می آورند گفته می شود. (همان)

فقیه در فضیلت و شخصیت دینی و اخلاقی و علمی همپای امام معصوم (علیه السلام) نیست. چرا که ولی فقیه، جدا از شخصیت حقوقی خویش، دارای شخصیت حقیقی نیز هست که از این نظر با دیگر مردم برابر است. ویژگی های ولی فقیه و حاکم اسلامی همانند عدالت تقوا و پرهیزگاری او را از لغزیدن به ورطه استبداد و خودرأیی باز می دارد. (خمینی (علیه السلام)، ولایت فقیه حکومت اسلامی، ص ۴۰)

ج) مفهوم اجماع

– گرد آمدن متفق شدن، عزم کردن بر کاری، اتفاق و هماهنگی جماعتی در امری (معین، فرهنگ فارسی معین، ص ۷۸)

اجماع در اصطلاح فقه اسلامی عبارت است از یکی از اصول چهارگانه و به معنی اتحاد کلمه فقهاء در مسئله ای یا در امری است. (سه اصل دیگر کتاب و سنت و عقل است). (معین، فرهنگ فارسی معین، ص ۷۸)

دلایلی که برای اثبات ولایت فقیه اقامه شده به دو دسته ادله عقلی و ادله نقلی تقسیم می‌گردد. باید توجه داشت که علمای شیعه معتقدند برای اثبات به یک حکم شرعی ممکن است به چهار نوع دلیل استناد کنیم: ۱- کتاب ۲- سنت معصومین (علیهم‌السلام) ۳- اجماع ۴- عقل. از نظر علمای شیعه لازم نیست برای اثبات یک حکم شرعی حتماً آیه یا روایتی در دست داشته باشیم بلکه می‌توان با استفاده از عقل و دلیل عقلی معتبر نیز به حکمی از احکام شریعت اسلام دست یافت و آن را اثبات نمود. بنابر این، از نظر فقهی ارزش استناد به دلیل عقلی برای اثبات ولایت فقیه به هیچ روی کم‌تر از ارزش استناد به ادله نقلی و آیات و روایات نیست. ما در این جا ابتدا دو دلیل عقلی و بدنبال آن دو دلیل نقلی را برای اثبات ولایت فقیه ذکر می‌کنیم.

۱- دلایل عقلی

به دسته ای از دلایلی که در یک دستگاه منطقی، تمام مقدمات آن عقلی بوده یا ترکیبی از گزاره‌های عقلی و پذیرفته‌های نقلی باشند، ادله عقلی اطلاق می‌شود. ذیلاً به بیان سه دلیل عقلی اکتفا کرده ایم.

الف) زعامت و پیشوایی فقیه

- این دلیل بطور خلاصه از مقدمات ذیل تشکیل می‌شود:
- الف: برای تأمین مصالح فردی و اجتماعی بشر و جلوگیری از هرج و مرج و فساد و اختلال نظام، وجود حکومت در جامعه ضروری و لازم است.
- ب: حکومت ایده‌آل و عالی‌ترین و مطلوب‌ترین شکل آن، حکومتی است که امام معصوم (علیه‌السلام) در رأس آن باشد و جامعه را اداره کند.
- ج: بر این اساس که هنگامی که تأمین و تحصیل یک مصلحت لازم و ضروری در حدّ مطلوب و ایده‌آل آن میسر نباشد باید نزدیک‌ترین مرتبه به حدّ مطلوب را تأمین کرد، لذا در بحث ما هم هنگامی که مردم از مصالح حکومت معصوم (علیه‌السلام) محروم بودند باید بدنبال نزدیک‌ترین مرتبه به حکومت معصوم (علیه‌السلام) باشیم.
- د: اقریبیت و نزدیکی یک حکومت به حکومت معصوم (علیه‌السلام) در سه امر اصلی متبلور می‌شود: یکی علم به احکام کلی اسلام (فقاہت)، دوم شایستگی روحی و اخلاقی به گونه‌ای که تحت تأثیر

محضر شریف آن حضرت ارسال داشته که از جمله آنها این است که در مورد «حوادث واقعه» در زمان غیبت پیش خواهد آمد وظیفه ما چیست؟ آن حضرت در این باره می‌فرماید: "وَأَمَّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَةُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَاةِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حُجَّتِي عَلَيْكُمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛ در رویدادهایی که اتفاق می‌افتد به راویان حدیث ما مراجعه کنید زیرا آنها حجت من بر شما و من حجت خدا بر آنان هستم." (ابن بابویه، اکمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۴۸۳)

اگر منظور از «حوادث واقعه» و «رواة حدیث» در این توقیع معلوم گردد آن گاه دلالت آن بر مدعای ما که اثبات ولایت فقیه است روشن خواهد شد.

در مورد توضیح مراد از حوادث واقعه» که در متن توقیع شریف آمده باید بگوییم بسیار بعید است که منظور اسحاق بن یعقوب از آن، احکام شرعی و همین مسائلی که امروزه معمولاً در رساله‌های عملیه نوشته می‌شود بوده باشد زیرا اولاً برای شیعیان معلوم بوده که در این گونه مسائل باید به علمای دین و کسانی که با اخبار و روایات ائمه و پیامبر (علیهم‌السلام) آشنایی دارند مراجعه کنند و نیازی به سوال نداشته است. همان گونه که در زمان حضور خود ائمه (علیهم‌السلام) به علت مشکلاتی نظیر دوری مسافت و امثال آنها که وجود داشته امامان شیعه مردم را در مورد مسائل شرعی به افرادی نظیر یونس بن عبدالرحمان، زکریا بن آدم و امثال آنان ارجاع می‌دادند.

هم چنین نواب اربعه در زمان غیبت صغری امام زمان (علیه‌السلام) که هر چهار نفر آنان از فقها و علمای دین بودند گواه روشنی بر این مطلب است. خلاصه این مسئله برای شیعه چیز تازه‌ای نبوده است. ثانیاً اگر منظور اسحاق بن یعقوب از حوادث واقعه، احکام شرعی بود قاعداً باید تعبیراتی نظیر این که «وظیفه ما در مورد حلال و حرام چیست؟» و یا «در مورد احکام الله چه تکلیفی داریم؟» و مانند آن‌ها را به کار می‌برد که تعبیر شایع و رایجی بوده و در سایر روایات هم بسیار به کار رفته است و به هر حال، تعبیر «حوادث واقعه» در مورد احکام شرعی به هیچ وجه معمول و متداول نبوده است. و ثالثاً اصولاً دلالت الفاظ تابع وجه آنهاست و کلمات و کلمه حوادث واقعه به هیچ وجه از نظر لغت و دلالت وضعی به معنای احکام شرعی نیست بلکه معنای بسیار وسیع‌تری دارد که حتماً شامل مسائل و مشکلات و رخدادهای اجتماعی نیز می‌شود. بنابراین، سوال اسحاق بن یعقوب از محضر حضرت ولیعصر علیه السلام در واقع این است که در مورد مسائل و مشکلات اجتماعی جامعه اسلامی که در زمان غیبت شما پیش می‌آید وظیفه ما چیست و به چه مرجعی

باید مراجعه کنیم؟ آن حضرت در جواب مرقوم فرموده‌اند که در این مورد به راویان حدیث ما مراجعه کنید اکنون ببینیم مراد از راویان حدیث چه کسانی هستند... که مقصود از «راویان حدیث» در واقع همان فقها و علمای دین هستند. (مصباح یزدی، نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه، ص ۹۸-۱۰۰)

بنابراین با توجه به توضیحی که درباره دو واژه «حوادث واقع» و «رواة حدیث» دادیم اکنون معنای توقیع شریف این می شود که امام زمان (عج) فرموده‌اند: «درباره مسائل و مشکلات و رخدادهای اجتماعی که در زمان غیبت من در جامعه اسلامی پیش می‌آید به فقها و علمای دین مراجعه کنید زیرا آنان حجت من بر شمايند و من حجت خدا بر آنان هستم.» و دلالت چنین جمله‌ای بر ولایت فقیه در زمان غیبت بسیار روشن و واضح است. (مصباح یزدی، نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه، ص ۹۸-۱۰۰)

(ب) دلیل نقلی اجماع

«دلیل دیگر ولایت فقیه اجماع است اجماع عبارت است از اتفاق نظر فقهای اسلام است و ولایت فقیه از جمله مسائل اجماعی است که فقها بر آن اتفاق نظر دارند. اساساً موضوعاتی که اتفاق نظر فقهای دین را به همراه دارند از اتقان و اعتبار خاصی برخوردار است زیرا اجماع علما کشف می‌کند که آن موضوع مورد اتفاق فقهای مورد قبول امام معصوم (علیه السلام) است و فقها با توجه به قول او اتفاق نظر دارند. صاحب مفتاح الکرامه که در جمع‌بندی آراء فقهای شیعه از موفقیت خاصی برخوردار است، (اکبری، ولایت فقیه ویژه جوانان، ج ۱، ص ۲۱) می‌نویسد:

« فقیه نایب امام زمان (عج) و منصوب از سوی آن حضرت است و عقل و اجماع و اخبار بر چنین می‌یابد و نصفی دلالت دارند پس از تحقق اجماع که فقها به آن اعتراف کردند می‌توانیم ادعا کنیم که فقها اتفاق نظر دارند که فقیه نایب امام زمان (عج) است و اتفاق نظر آنها حجت شرعی است» (حسینی عاملی، مفتاح الکرامه فی شرح قواعد العلامه، حلی ج ۱۰، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ص ۲۱)

نتیجه گیری

همان گونه که در متن مقاله اشاره شد ولایت فقیه از دیدگاه عقل بر ضرورت وجود یک حکومت دینی به منظور حفظ نظم اجتماعی، اجرای احکام شرعی و جلوگیری از ظلم استوار است؛ بشر به طور طبیعی به حکومتی نیاز دارد که هدایتگر و حافظ حقوق عمومی باشد و این کار جز از طریق ولایت کسی که صلاحیت شرعی و علمی دارد ممکن نیست. عقل حکم می کند که اگر معصوم حاضر نباشد، نزدیکترین فرد به معصوم که همان فقیه جامع الشرایط است باید زمام امور را در دست بگیرد تا خلأ حکومتی باعث هرج و مرج نشود.

بنابراین اجماع و اتفاق نظر فقها بر این است که ولایت جامعه اسلامی در عصر غیبت بر عهده ولی فقیه است و در عصر غیبت فقیه نماینده و نائب امام زمان در بین مردم است .

از دلایل نقلیه این گونه بر می آید که مبحث ولایت فقیه، دارای پشتوانه اثباتی و سوی خدا و ائمه و فقها است و شکی در آن نیست.

در نهایت این که ولایت فقیه نه تنها بر پایه وحی و نصوص دینی قابل اثبات است، بلکه دلایل عقلی نیز آن را به صورت ضرورتی برای تحقق عدالت و نظم در جامعه اسلامی تبیین می کنند.

فهرست منابع

* قرآن کریم، حسین انصاری

* نهج البلاغه، محمد دشتی

۱. ابراهیم زاده آملی، عبد الله، حاکمیت دینی، تهران، مرکز تحقیقات اسلامی ولی فقیه در سپاه، ۱۳۷۷ ش.
۲. اکبری، محمدرضا، ولایت فقیه ویژه جوانان، قم، مسجد مقدس جمکران، ۱۳۸۷ ه.ش
۳. جوادی آملی، عبدالله، ولایت در قرآن، قم، نشر اسراء، ۱۳۸۷ ه.ش
۴. حسینی طهرانی، سید محمد حسین، ولایت فقیه در حکومت اسلام، چاپ دهم، مشهد: علامه طباطبائی، ۱۳۸۰ ه.ش
۵. خراسانی، محمد کاظم ابن حسین، آخوند الکفایه، قم: بنیاد علمی فکری طباطبائی، ۱۳۸۵ ه.ش
- ۶- خمینی، روح الله، ولایت فقیه حکومت اسلامی، چاپ نهم، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی ۱۳۷۸ ه.ش
۷. دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم، صفحه نگار قم، ۱۳۷۹ ه. ش
۸. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، چاپ تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ه.ش
۹. رحیمیان، محمد حسن، پاسدار اسلام، ویژگی های ولایت فقیه، قم: دفتر تبلیغات اسلامی، مرداد ۱۳۷۸ ه.ش
۱۰. فیرحی، داوود، نظام سیاسی و دولت در اسلام، تهران سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه ها ۱۳۸۲ ه.ش
۱۱. مصباح یزدی، محمد تقی، نگاهی گذرا به نظریه ولایت فقیه، محمدمهدی نادری قمی، چاپ دوازدهم قم مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ع)، ۱۳۸۶ ه.ش
۱۲. معین، محمد، فرهنگ فارسی معین، (تهران) مؤسسه امیرکبیر، ۱۳۶۲ ه.ش .
۱۲. مکارم شیرازی و دیگران، ناصر، تفسیر نمونه، چاپ سی و ششم، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۸۷ ه.ش
۱۳. نصرتی، علی اصغر، نظام سیاسی اسلام، چاپ دهم، قم: مرکز نشر هاجر، ۱۳۸۳ ه.ش

منابع عربی

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، اکمال الدین و تمام النعمه، قم: جماعه المدرسين موسسه
۲. ابن شعبه حرانی، ابو محمد، تحف العقول عن آل الرسول صلى الله عليهم، على اكبر غفارى، قم ، ۱۳۶۳ش.
۳. آمدی، عبد الواحد غرر الحكم، قم: دار الكتاب الاسلامی.
۳. حر عاملی، محمد ابن حسن، وسائل الشيعه، موسسه آل البيت، دارالاحياء و التراث، ۱۴۱۴ هـ.ق
۴. حسینی عاملی، محمد جواد، مفتاح الكرامه فی شرح قواعد العلامة ، حسن بن يوسف، حلی، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۳۰۷ هـ.ق.
۵. طباطبایی، محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ پنجم، قم، نشر جامعه مدرسين، ۱۴۱۷ هـ.ق
۶. فیض کاشانی ، محمد بن شاه مرتضی ، الصافی فی تفسیر القرآن، مشهد، انتشارات دارالمرتضی ، ۱۰۹۱ هـ.ق